

مقدمه

صرف نظر از آثار گران‌بهای فقهی سیاسی در میراث اسلامی، در دوران معاصر آثار قابل توجهی دربارهٔ ارتباط فقه و سیاست و دانش فقه سیاسی در قالب پژوهش‌های ارزنده دربارهٔ مناسبات فقه و سیاست تدوین گردیده که به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرتوی نسبتاً روشن بر مناسبات این دو افکنده است؛ با وجود این، تلاش‌های اندکی برای معرفی دانش فقه سیاسی در مقام یک دانش سیاسی اسلامی صورت گرفته، گرچه اهمیت مطالعات اسلامی دربارهٔ سیاست در محافل علمی امروزه ضرورت چنین امری را مضاعف ساخته است. نوشتار حاضر که حاصل بیش از یک دهه فعالیت پژوهشی نگارنده در عرصهٔ فقه سیاسی و تدریس این درس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی حوزوی است، تلاش می‌کند با تدارک یک متن درسی مناسب به معرفی اجمالی این دانش بپردازد. گرچه مخاطب اصلی این نوشتار دانشجویان دانشگاهی‌اند، به نظر می‌رسد می‌تواند در معرفی این دانش به دیگر دانش‌پژوهان عرصهٔ فقه و سیاست نیز سودمند باشد. بر این اساس، نگاهی اجمالی به آنچه می‌آید، لازم به نظر می‌رسد.

فقه و سیاست به مثابهٔ دو دانش از قدمت زیادی برخوردارند. فقه یکی از دانش‌های اسلامی است که در تاریخ فکر و فرهنگ اسلامی شکل گرفته و استخراج احکام شرعی افعال مکلفین از متون و منابع دینی را برعهده دارد و حاصل ارتباط و پیوند تنگاتنگ امر واقع با امر شرعی است. فقه، از این رو، حاصل تلاش فقیهان برای انطباق شریعت ثابت با دنیای متغیر است. در این تلاش از سویی به واقعیت‌های زندگی و از سوی دیگر، به متون و منابع دینی توجه می‌شود تا فرایند انطباق این دو صورت گیرد.

دانش سیاست نیز تاریخی دیرینه دارد و از قدمت زیادی برخوردار است. معمولاً نخستین گزاره‌های دانشی دربارهٔ سیاست به دوران یونان باستان نسبت داده می‌شود، اما می‌توان تاریخ تأملات فکری دربارهٔ سیاست را به تاریخ مناسبات سیاسی اجتماعی انسان‌ها بازگرداند. همچنین، دانش سیاست دانش عملی است و به تأمل درباره عمل سیاسی می‌پردازد.

با چنین مفهوم و تاریخچه‌ای، فقه و سیاست ارتباط خاصی در تاریخ فکر و اندیشهٔ اسلامی دارند. هر دو دانش در فرهنگ و تمدن اسلامی ناظر به عمل مسلمانان تکوین یافته‌اند و در نتیجه در زمرهٔ دانش‌های عملی قرار می‌گیرند. دانش فقه به عمل مکلفین می‌پردازد اما دانش سیاست عمل سیاسی آنان را مورد توجه قرار داده و درهم تنیدگی عمل سیاسی مسلمانان با شریعت و فرهنگ اسلامی، ارتباط و پیوند این دو دانش را به گونه‌ای معنادار در پی داشته است. نوشتار حاضر، درصدد است این ارتباط و نیز چگونگی تکوین دانش فقه سیاسی را نمایان سازد.

ارتباط فقه و سیاست به گونه‌های متعددی قابل تصور است. در یک نسبت‌سنجی منطقی از مفاهیم فقه و سیاست، در نوشتار حاضر دانش فقه سیاسی پیامد معرفتی ارتباط دوگانهٔ فقه و سیاست تلقی می‌گردد. فقه سیاسی در مقام دانشی فقهی و سیاسی از مبانی، روش و غایت خاصی برخوردار است که تبیین آن‌ها فهم ماهیت معرفتی فقه سیاسی را ممکن می‌سازد. در این نوشتار فقه سیاسی معرفی و به چگونگی نظریه‌پردازی فقهی-سیاسی دربارهٔ امر سیاسی نگریسته می‌شود. با نگاهی گذرا به تاریخ تحول دولت به مثابهٔ مهم‌ترین مصداق امر سیاسی در تاریخ اسلام، نظریه‌های نظام سیاسی از دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت توضیح داده می‌شود. فقه سیاسی در چنین فرایندی، دو گونهٔ فقه امامت و خلافت را تأسیس نموده که در نوشتار حاضر به اختصار توضیح داده می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان هدف اساسی این نوشتار را معرفی جمالی فقه سیاسی از طریق تبیین مناسبات فقه و سیاست دانست.